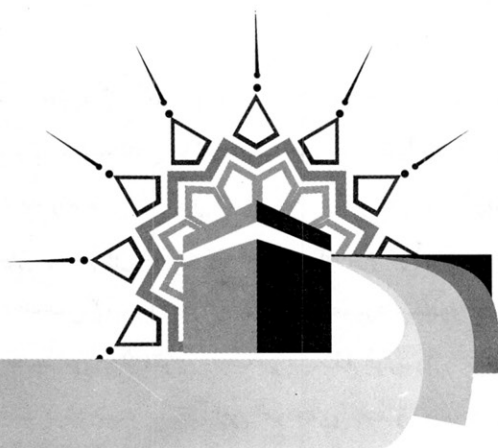


ساختار شهری مدینه

و محلات قبایل در دوره نبوی

عبدالغفر بن عبدالله بن ادریس / رسول جعفریان



۱ - آبادی مدینه و محلات انصار در مدینه پیش از اسلام

مدینه منوره از دیر باز محلی بوده است مسکونی. پس از هجرت رسول خدا - ص - به عنوان نخستین «شهر اسلامی» درآمد، آن گونه که شیوه شکل دهی اسلامی به شهرها در آن هویدا گردید. بعدها ساختار شهری آن، الگویی برای چگونگی ساختار شهرهای اسلامی همانند بصره و کوفه مورد استفاده قرار گرفت. گفتنی است که شهرهای بصره و کوفه - بر خلاف تصوّر رایج - قبل از اسلامی شدن هم مسکونی بوده است.^۱

ساکنان شهر مدینه، پیش از اسلامی شدن آن، ترکیبی از یهود و عرب بوده است. بیشترین عرب آن از دو قبیله اوس و خزرج یعنی انصار بودند.^۲

آنچه که در ساختار مدینه و قرای آن نسبت به انصار قابل توجه است این که، پس از هجرت، تغییرات ریشه‌ای در آنها داده نشد مگر در آنچه که به سکونت مهاجران در داخل مدینه و در کنار قرای انصار مربوط می‌شد. چیزی که به عنوان یک تغییر طبیعی و معتدل صورت گرفت، شکل دهی شهر در جهت تنظیم فعالیت عمومی در مرکزیت آن بود که با پیدایش مسجد انجام شد. به همین دلیل ما در بحث ساختار شهر مدینه پس از هجرت، به بیان چگونگی آن پیش از هجرت، به عنوان ساختار اصلی و تکامل یافته برای بحث از جایگاه

قبایل بعد از هجرت، می‌پردازیم:

همانگونه که گذشت، اوس و خزرج پس از آمدن به یثرب، در منطقه یهودیان مستقر شدند؛ زیرا در آن روزگار، ثروت در اختیار آنان بود.^۳ زمانی که قدرتی یافتند و یثرب به صورت یک مرکز سیاسی در منطقه درآمد، زمین و ثروت به دست آورده و در قسمت بالای مدینه و پایین آن پراکنده شدند. برخی از آنها به مناطقی آمدند که کسی در آنها ساکن نبود، برخی دیگر به قرای آباد رفته و در آنجا اموال و خانه‌هایی اختیار کردند.^۴

مناطق که اوس و خزرج و یهود در آنها سکونت گزیدند؛ بویژه قسمت‌های جنوبی، در دو سوی غرب و شرق که به «عوالی»، «قبا» و «عصبه» معروف است، از پر جمعیت‌ترین مناطق، با آب فراوان و مزارع گسترده می‌باشد،^۵ چرا که شبکه‌ای از بهترین وادیها همچون وادی «مهبزور» از شرق، وادی «مذینیب» از جنوب شرقی و وادی «رانوان» از جنوب و بخشی از وادی «بطحان»، که در مسیرش به شمال غرب به این وادیها می‌پیوندد، در مناطق مزبور جریان دارد.^۶ تردیدی وجود ندارد که وادیها و چاههای سمت عوالی، قبا و عصبه، از مهمترین عوامل در تمرکز جمعیت در آن نواحی و گسترش کشاورزی در شکل گسترده می‌باشد.^۷

گفته شده که نواحی مدینه، در زمانی که رسول خدا -ص- به آن شهر هجرت فرمود، تا نه منطقه بوده است. هر بخش آن از نظر منطقه‌ای، نخلستان، زراعت و جمعیت مستقل بوده و هر قبیله‌ای از قبایل در ناحیه ویژه خود سکونت داشته است. در اصل این نواحی همچون قرای به هم چسبیده بوده است.^۸

می‌توان گفت که در یثرب مجتمعی از خانه‌ها بوده که در وسعت و عمارت، بیش از حد روستا و کمتر از حد شهر بوده است.^۹

و ما بر اساس این اصل که یثرب گروه‌بندی و منطقه‌بندی انصار را نشان می‌دهد، کار را آغاز می‌کنیم. ابتدا از شرق، پس از آن از جنوب و در نهایت از بخش غربی آن سخن خواهیم گفت. بدین ترتیب خانه‌های انصار را باید بدین صورت طبقه بندی کرد:

۱ - دار بنی عبد اشهل؛ شامل منازل بنی عبد اشهل بن جشم بن حارث و منازل بنو

حارثه بن حارث و منازل بنوظفر می‌شود که همه از آن اوس است.

۲ - دار بنی معاویه بن مالک بن عوف بن عمرو بن عوف از اوسیان.

۳ - دار بنی واقف و اسلم فرزندان امرء القیس بن مالک و بنی وائل بن زید بن قیس،

و بنی امیه بن زید بن قیس و بنی عطیه بن زید بن قیس و بنی خطمه بن چشم بن مالک که تمامی از طایفه اوس هستند.

۴ - دار بنی عمرو بن عوف از اوس.

۵ - دار بنی جحجا بن کلفة بن عوف بن عمرو بن عوف از اوس.

۶ - دار بنی حارث بن خزرج و بنی سالم و غنم فرزندان عوف بن عمرو و همپیمانان آنها از بنی غصینه که طایفه‌ای از قبیله بلی هستند، و بنی الحبلی بن سالم بن غنم ابن عوف که تمامی از خزرج هستند.

۷ - دار بنی بیاضه و زریق فرزندان عامر بن زریق بن عبد حارثه بن مالک بن غضب، و بنی اللین که [بنی] عامر بن مالک بن غضب هستند و بنی أجدع که بنی معاویه بن مالک ابن غضب هستند؛ همه اینان از خزرجند.

۸ - دار بنی ساعده بن کعب بن خزرج، و بنی مالک بن النجار و بنی مازن بن نجار و بنی دینار بن نجار که تمامی از خزرج هستند.

۹ - دار بنی سلمه شامل منازل بنی سلمه بن سعد و بنی سواد بن غنم و بنی عبید بن عدی بن غنم و بنی حرام بن کعب بن غنم و بنی مرّ بن کعب بن سلمه و همپیمانان آنها؛ اینان نیز همه خزرجی می‌باشند.^{۱۰}

گفتنی است که منطقه‌بندی انصار، در اصل ناشی از سه اصل جغرافیایی بوده که در توزیع سکونت نقش داشته است. نخستین عامل خاک حاصلخیز و وفور مواد آتشفشانی بطور گسترده در نواحی مسکونی انصار در بخش غربی حره شرقی؛ دومین عامل فراوانی وادیها در سه منطقه عوالی، قبا و عصبه و افزون بر آن منطقه مجمع‌الاسیال از رومه در دامنه حره غربی یعنی شمال غرب مدینه بوده است؛ سومین عامل فراوانی آب، چاههای بسیار در اطراف مسجد نبوی بوده است.

اینک تفصیل بحث را از مناطق مسکونی انصار و شرح نقشه مدینه آغاز می‌کنیم. ابتدا از محلات موجود در شرق، آنگاه جنوب، پس آن ناحیه میانی تا برسد به محلات شمال غربی از کوه سلع و مدینه.

منازل بنی حارثه، بنی عبدشهل و بنی ظفر، بخش اعظم عرب حره شرقی مدینه^{۱۱} - حره واقم^{۱۲} - را به خود اختصاص داده بود. به نظر می‌رسد که بنی ظفر بالاترین درصد



ساکنان این ناحیه را داشته‌اند و به همین دلیل منطقه وسیعتری را هم در دست داشته‌اند؛ به طوری که به صورت یک طوقه، بنی عبدشاهل را از شمال، غرب و جنوب احاطه کرده بودند.^{۱۳} این بعد از توسعه، به صورت تدریجی و حاصل گستردگی جمعیت آنها بوده است. این مطلب را از نقلیهایی که مطری و سمهودی آورده‌اند، استنباط کرده‌ایم.

مطری می‌گوید: که داربنی عبدشاهل در سمت قبله و دار بنی ظفر جانب حره شرقی بوده.^{۱۴}

سمهودی می‌نویسد: منازل بنی عبدشاهل در سمت منازل بنی ظفر در سمت شامی - شمالی - آن می‌باشد.^{۱۵}

افزون بر اینها باید این نقل را نیز توجه کرد که مسجد بنوظفر که به «مسجد البغله» شهرت دارد، در شرق بقیع به سمت حره شرقی بوده،^{۱۶} یعنی منازل بنی ظفر همچنان تا غرب منازل بنی عبدشاهل امتداد داشته است. این وضع ما را به این نکته رهنمون می‌کند که منازل این دو طایفه در یک منطقه و از نظر اموال و خانه‌ها داخل در یکدیگر بوده است. شاید به همین دلیل است که در نقلی آمده است: «رسول خدا - ص - از خانه‌ای از خانه‌های انصار، از بنی عبدشاهل و بنی ظفر گذشت.^{۱۷}»

اما منازل بنی حارثه، تا قسمت شمالی منازل بنی عبدشاهل و منازل بنی ظفر تا وادی قنات در شمال مدینه امتداد داشته است.^{۱۸} گویند که آنها از منطقه‌شان به غرب مشهد حمزه - جایی که معروف به یثرب بوده - منتقل شده‌اند و این به دلیل جنگی بوده که میان آنها از یک سو و بنی عبدشاهل و بنی ظفر از سوی دیگر رخ داده است.^{۱۹}

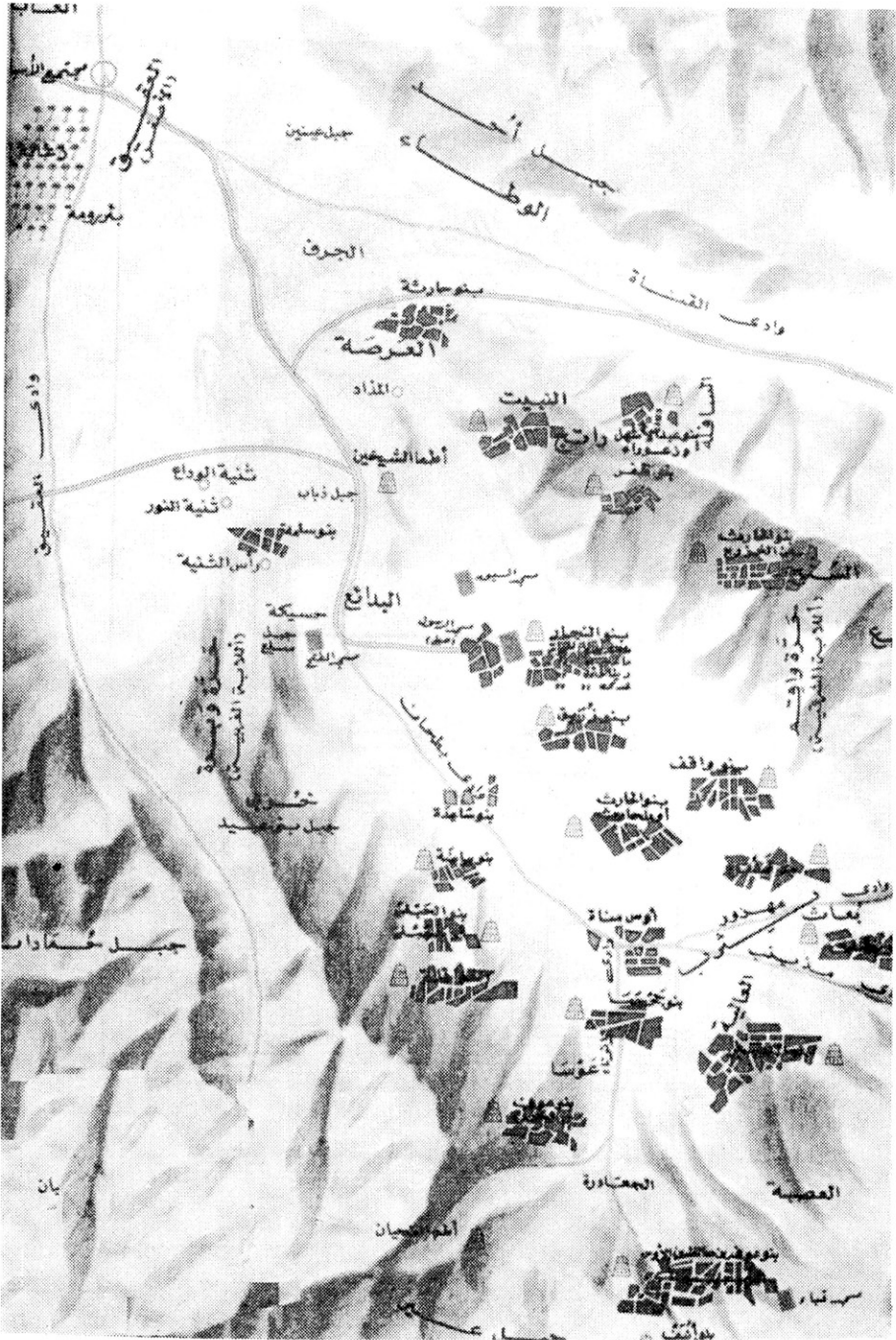
منازل بنی معاویه که به آن «قریه بنی معاویه» هم گفته می‌شود،^{۲۰} در غرب منازل بنی عبدشاهل و بنی ظفر بوده،^{۲۱} چنانکه مسجد بنی معاویه که همان مسجد الاجابه است در شمال بقیع، در سمت چپ کسی است که به سوی عریش می‌رود.^{۲۲}

جنوب منطقه مورد بحث - منازل برخی از اوسیان - منطقه عوالی قرار دارد که جنوب مدینه می‌باشد. در آنجا، در فصل باران در شماری از شعبها و وادیهها - که به نام برخی اشاره کردیم - و مشهورترین آنها دو وادی مدینیب و مهزور بوده و منازل بنی قریظه و بنی نضیر در کنار آنهاست، آب به جریان می‌افتد.^{۲۳} بنی نضیر در وادی مدینیب و بنی قریظه در کنار وادی مهزور سکونت داشتند.^{۲۴} در میان یهودیان، در این ناحیه، برخی از طوایف اوس و خزرج مثل

بنی‌امیه بن زید بن قیس زندگی می‌کردند که محله آنها در حره شرقی نزدیک [چاه] عهن بوده است.^{۲۵} همانطور که بنی‌وائل بن زید در میان آنان زندگی می‌کردند و محله آنها در شرق مسجد فضیخ بوده است.^{۲۶} همینطور بنی‌عطیه بن زید، بنی واقف و بنی السلم که محله آنها در سمت قبله مسجد فضیخ قرار داشته است.^{۲۷} همینطور در همین سمت بنی‌خطمه بن چشم بن مالک بن اوس سکونت داشته‌اند.^{۲۸} محدوده منازل اینان به طور دقیق روشن نیست.

مطری گوید: جای محلات آنها شناخته شده نیست جز آن که ظاهراً آنان در عوالی، در شرق مسجدالشمس بوده‌اند، زیرا این نواحی به طور کامل در اختیار اوس بوده و پایین‌تر از آن تا مدینه متعلق به خزرج بوده است.^{۲۹} این در حالی است که به عقیده سمهودی، بنی‌خطمه خانه‌هایی داشته‌اند که محل آن مال‌الماجشون در کنار صدقه ابان بن ابی حدیر بوده است.^{۳۰} به باور ما سخن مطری صحیح‌تر می‌نماید، به این تعبیر که محله اصلی آنها در آنجا بوده، پس از آن از آنجا به نقاط دیگر رفته و خارج از آن سکونت گزیده‌اند. سمهودی به این مسأله اشاره کرده می‌گوید: بنی‌خطمه متفرق در اطامشان (خانه‌های قصر یا قلعه مانند) بوده‌اند و در بخش اصلی محله‌شان (قصبه دارهم) کسی نمی‌زیسته است. پس از آن که اسلام آمد آنجا را مسجد کردند و یکی از آنها در کنار مسجد سکونت گزید به طوری که هر صبحگاه سراغش را می‌گرفتند مبادا درندگان به او آسیبی رسانده باشند. پس از آن جمعیتشان در محله اصلی رو به فزونی نهاد به طوری که به آنجا غزه گفته می‌شود و این از بابت شباهت آنجا به لحاظ فراوانی جمعیت به غزه شام است.^{۳۱} از سخن سمهودی که می‌گوید: مردم هر صبحگاه احوال آن شخص ساکن در قصبه اصلی را سؤال می‌کرده‌اند - همو که خانه‌اش را نزدیک مسجد بن خطمه در اصل قصبه بنا کرده بود - چنین می‌توان استدلال کرد که این منازل در بخش شرقی عوالی بوده است و این به گونه‌ای است که حمله درندگان به آن بخش بعید نبوده زیرا از آبادی به دور بوده است.

بنی عمرو بن عوف بن مالک بن اوس، در قبا سکونت داشته‌اند، جایی که آب و کشت فراوان بوده است. همانگونه که گفتیم، وادیهای چندی در آن ناحیه است؛ وادی مدینیب در شرق، بطحان در شمال و رانواء در غرب.^{۳۲} نکته قابل تذکر آن که قبا از نظر جغرافیایی در بخش عالیه واقع شده و چندان از آن دور نیست.^{۳۳} همینطور به منطقه عصبه،^{۳۴} که آن نیز



امتداد طبیعی منطقه قبا در غرب است. به همین دلیل زمانی که بنی جحجا بن کلفة ابن عوف بن عمرو با عمو زادگان خود عمرو بن عوف درگیر شدند و آنها همه با هم در قبا سکونت داشتند، از قبا خارج شده در عصبه ساکن گردیدند.^{۳۵} عصبه نیز از نظر چاه و زراعت ثروتمند بود.^{۳۶}

خلاصه آنچه گذشت این که منازل اوسیان از بهترین و سرسبزترین مناطق مدینه بوده و این نتیجه عبور وادیهای مدینه از این مناطق بوده است. افزون بر این، کار پرداختن عرب و یهود به آبادی این منطقه، برای رشد کشاورزی در شکل گسترده، که خود گستردگی وجود آب و نخلستان را در پی داشته^{۳۷} بر ثروتمندی این مناطق افزوده است.

پس از بیان منازل اوسیان در بخش شرقی و جنوبی مدینه، اکنون به بحث از منازل خزرجیان، که در بخش مرکزی مدینه و شمال غربی آن بوده، می پردازیم. با شرحی که ابن اسحاق از مسیر حرکت رسول خدا - ص - از قبا تا مدینه داده، می توان محلات آنها را شناخت. او می نویسد: «رسول خدا - ص - نماز جمعه را در میان بنی سالم بن عوف، در مسجدی که در میانه وادی رانواء بود خواند.»^{۳۸}

منازل بنی سالم و بنی غنم - دو فرزند عمرو بن عوف بن خزرج - در غرب وادی رانواء بر راه حره غربی بوده است.^{۳۹}

این بدان معناست که منازل آنها همان حزه ای است که در همسایگی بخش جنوبی و غربی قلعه قبا بوده، همان که در راه مدینه به قبا در این روزگار قرار گرفته است.^{۴۰}

دیاربکری می گوید: رسول خدا - ص - سمت راست راه را طی کرد تا به بنی الحبلی - طایفه عبدالله بن ابی بن ابی سلول - رسید.^{۴۱} مقتضای این سخن آن است که محله بنی الحبلی از محله بنی سالم دور نبوده است؛ این همان است که مطری گفته است که، محله بنی الحبلی میان قبا و محله بنی حارث بن خزرج و محله بنی حارث در شرق وادی بطحان قرار داشته است.^{۴۲} بدان معنا که بخش اعظم منازل بنی الحبلی در غرب وادی بطحان بوده است.

نکته قابل ملاحظه آن که ابن اسحاق از ذکر گذشتن رسول خدا - ص - از محله بنی الحبلی غفلت کرده است. این امر می تواند ما را بدین نکته رهنمون سازد که منازل آنها متداخل در منازل بنی سالم بن عوف بوده است و همان طور که گذشت، منازل بنی حارث در



عوالی، شرق وادی بطحان قرار داشته است.^{۴۳} آنجا یک میل با مسجدالرسول - ص - فاصله دارد.^{۴۴} محله آنان را «سُحج» می‌نامند.^{۴۵}

ابن اسحاق می‌نویسد: ناقه رسول خدا - ص - حرکت کرد تا برابر محله بنی بیاضه رسید. در آنجا زیاد بن لبید و فروة بن عمرو در میان جمعی از مردان بنی بیاضه از ایشان استقبال کردند.^{۴۶} محله بنی بیاضه مشتمل بر خانه‌های برادران و عموزادگان آنها شامل بنی زریق بن عامر بن عبد حارثة بن مالک بن غضب بن جشم بن خزرج هم بود^{۴۷} و بنی حبیب بن عبدحارثة بن مالک بن غضب، و بنی عذاره که همان بنی کعب بن مالک بن غضب هستند، و بنی اللین که همان بنی عامر بن مالک بن غضب هستند، و بنی أجدع که همان بنی معاویة بن مالک بن غضب هستند.^{۴۸} عده و عده از آن بنی بیاضه و بنی زریق بوده است؛ به همین دلیل سایر طوایف در خوف و تردید زندگی می‌کرده‌اند.

زمانی یکی از بنی عذاره، شخصی از افراد وابسته به طوایف بنی مالک را کشت، بنی بیاضه بر آن شدند تا ثار آنان را به زور از بنی عذاره بستانند. آنان بر بنی بیاضه خشم گرفته در قبا وارد بر بنی عمرو بن عوف شدند و با آنها پیمان بسته مصاهرت کردند.^{۴۹}

سمهودی این نظر را ترجیح داده است که محله بنی بیاضه در سمت شامی، محله بنی سالم بن عوف بوده است.^{۵۰} این بدان معناست که محله بنی بیاضه همان است که در شمال قلعه قبا تا ناحیه شرق آن در جنوب محله بنی مازن بوده است.^{۵۱}

از مناطق متعلق به بنی بیاضه، نقیع الخطمات، و هزم النبیت از حره آنها بود.^{۵۲} ابن اسحاق می‌نویسد: نخستین جمعه‌ای که در مدینه اقامت شد، در «هزم بنی بیاضه» در «نقیع» بود که به آن نقیع الخضمات گفته می‌شد.^{۵۳} از دیگر مناطق متعلق به بنی بیاضه، قریه بنی زریق است که قبل از دیوار مدینه و قبل از مصلی قرار داشته است.^{۵۴}

اشاره به این نکته لازم است که ابن اسحاق، در شرح راه رسول خدا - ص - از قبا به مدینه، محله بنی بیاضه را بر محله بنی حارث مقدم داشته است،^{۵۵} در حالی که جز او نوشته‌اند که رسول خدا - ص - ابتدا از منازل بنی حارث گذشته پس از آن از محله بنی بیاضه^{۵۶}. به باور من، مسأله تقدیم و تأخیر در یاد از محلاتی که رسول خدا - ص - به هنگام خروج از قبا بر آن گذشته، ضرورتاً به آن اندازه که به درستی قابل ملاحظه باشد، به معنای تعیین حدود منازل نیست. دلیلش نیز این است که منازل قبایل، تابع حدود تعیین شده بدان معنا که ما از حدود

می‌فهمیم نیست، آن‌گونه که یقین کنیم که فلان منطقه، محلهٔ بنی بیاضه و فلان محل، منازل بنی حارث بوده است. این امر تابع زاد و ولد و قلت و کثرت افراد قبیله است. هر اندازه که بر شمار افراد افزوده شود، به هر وسیله‌ای باشد، زمین فراخ‌تری را می‌طلبد؛ همین نکته است که امکان تداخل منازل قبایل را مطرح کرده و یا حداقل محیط شدن منازل برخی بر برخی دیگر از یک سو یا بیشتر، همانطور که ما دربارهٔ منازل عبدشهل توضیح دادیم.

آنچه ما در باره منازل بنی بیاضه و گسترش آن در شرق؛ یعنی در حدود منازل بنی حارث گفتیم تنها فرضیاتی است که از مجموع نقلیهایی که دربارهٔ منازل بنی بیاضه و بنی حارث گفته شده استنباط کرده‌ایم. مطری در این باره می‌گوید: محلهٔ بنی الحارث در شرق وادی بطحان است^{۵۷}. پس از آن دربارهٔ منازل بنی بیاضه می‌نویسد: دیار آنها بین محله بنی سالم بن عوف بن خزرج در وادی رانواء، نزدیک مسجدالجمعه تا وادی بطحان در سمت قبلهٔ محلهٔ بنی مازن بن نجار است.^{۵۸} این گفته مطری که محله آنها در سمت قبلهٔ محله بنی مازن بوده به این معناست که محله بنی بیاضه تا سمت شرقی وادی بطحان بوده است زیرا محلهٔ بنی مازن در سمت قبلهٔ چاه بَصه قرار داشته^{۵۹} و معروف آن است که چاه بَصه نزدیک بقیع،^{۶۰} سمت چپ کسی که به قبا رود، قرار داشته است.^{۶۱}

بنی زریق منطقه‌ای را که در سمت غربی منازل بنی مازن و سمت شمالی بنی بیاضه بوده در اختیار داشته‌اند^{۶۲}. مرجانی دربارهٔ محل قریه بنی زریق می‌گوید: این محله در سمت قبله دیوار شهر مدینه و مصلی قرار دارد؛ بخشی از آن امروزه در این سوی دیوار شهر واقع شده، جایی که معروف به ذی‌اروان (یا ذیحال) است؛ و ذی‌اروان اسم محلهٔ بنی زریق است و آنجا چاهی است که چاه ذی‌اروان خوانده می‌شود.^{۶۳}

در مرکز یا باطن مدینه،^{۶۴} شمار دیگری از طوایف خزرجی زندگی می‌کرده‌اند؛ اینها پس از مدتی به صورت یک طوقه در اطراف مسجدالنبی - ص - در آمدند.

در شمال غرب این دایره خاندانهای مختلف بنی ساعدهٔ بن کعب بن خزرج در چهار محل سکونت داشتند.^{۶۵} بنی عمرو و بنی ثعلبه فرزندان خزرج بن ساعده در محله بنی ساعده سکونت گزیدند که در میان بازار مدینه و بنی ضمیره قرار دارد؛ بنابراین محلهٔ آنها در شرق بازار مدینه به سمت شمال بوده است.^{۶۶} مطری دربارهٔ حدود محلهٔ بنی ساعده می‌نویسد: قریه بنی ساعده نزدیک چاه بضاعه در میانه خانه‌های آنهاست. در شمال چاه به سمت مغرب، این



روزگار باقیمانده خانه‌ای (أطم) از خانه‌های مدینه است که گفته می‌شود در خانه ابودجانة کوچک بوده که نزدیک چاه بضاعه قرار داشته است.^{۶۷}

عیاشی، که از معاصران اهل مدینه و از تلاشگران در شناخت آثار این شهر است، با اقوال یاد شده درباره محله بنی ساعده همراه است. او می‌گوید که بنی ساعده محله‌ای در شمال مدینه در میان ثنیه الوداع - همان ثنیه الרכاب یا ثنیه السبق^{۶۸} که راه بین پایین کوه سلع شرقی است و میان مکانی که معروف به قرین الفوقانی است - بوده است.^{۶۹} این حد آن از سمت شمال بوده است. از غرب، بخش شرقی کوه سلع، از شرق خیابانی که امروز السحیمی نامیده می‌شود^{۷۰} و از جنوب مسجد اصحاب‌العباءه^{۷۱} و مدفن مالک بن سنان خُدَری.^{۷۲}

از خاندانهای بنی ساعده، یکی بنی قشبه است که نام قشبه، عامر بن خزرج بن ساعده است^{۷۳}. آنها نزدیک بنی خُدیل مسکن داشته‌اند؛^{۷۴} یعنی منازل بنی قشبه در سمت شمالی محله بنی ساعده و بعد از آن در شمال مسجد نبوی بوده است؛ زیرا این جهات، منازل بنی خُدیل یا بنی خُدیل بوده و چاه روجاء که در آنجا معروف است، در میانه منازل آنان قرار داشته است.^{۷۵}

خانواده سعد بن عباد، که بنی ابی‌خزیمه بن ثعلبه بن طریف بن خزرج بن ساعده هستند، محله‌ای است که به آن «جرار سعد» گفته می‌شود.^{۷۶} ابن زبالة - بر اساس نقل سمهودی - می‌گوید: که عرض بازار مدینه از مصلی تا جرار سعد بن عباد بوده است.^{۷۷} عیاشی می‌گوید: که جرار سعد همان است که دولت عثمانی محل آن را تعیین کرده و در آنجا، محلی از گچ بر یک تپه بسیار کوچک ساخته است و از کوه بنی الدیل که به آن «المستندر الادنی» گفته می‌شود جدا شده است.^{۷۸}

چه بسا بتوان گفت که موقعیت جرار سعد در روزگار ما، در شمال بیمارستان ملک عبدالعزیز است که راه کنار آن راهی است که از پشت بیمارستان یاد شده از شمال به راه سیدالشهدا می‌رسد.^{۷۹}

از دیگر خاندانهای بنی ساعده، بنی وقش و بنی عنان فرزندان ثعلبه بن طریف بن خزرج بن ساعده هستند. آنها در محله‌ای سکونت داشتند که به آن «بنی ساعده» و یا «بنی طریف»^{۸۰} گفته می‌شد و آن در میان حماضه و جرار بن سعد بوده است.^{۸۱} ظاهراً

همانطور که سمهودی عقیده دارد، منازل بین وقش همان جایی است که در این عبارت آمده که بنی ساعده محله‌ای در سمت شامی مسجدالرایه داشته‌اند.^{۸۲}

از جمله خاندانهای خزرج که در باطن یا مرکز مدینه سکونت داشتند، بنی‌نجر است. اینها در آخرین منازل از مسیر رسول خدا-ص- از قبا به سوی مرکز مدینه قرار داشتند، همانجا که ناقه آن حضرت زانو زد، آن حضرت به محله بنی مالک بن نجر در آمد و مسجد را بنا کرد، این درست جای زانو زدن شتر بود.^{۸۳} پس از بنای مسجد، محله بنی غنم بن مالک ابن نجر موقعیت شرقی یافت^{۸۴} و از جمله کوچه‌های آنها در این سو، که در برابر باب جبرئیل بود، همان کوچه بنی غنم است.^{۸۵}

در غرب مسجد، محله بنی عدی بن نجر است.^{۸۶} و محله بنی خدره در نزدیکی چاه بصره است.^{۸۷} چاه بصره نیز همانطور که گذشت در جنوب بقیع در نزدیکی آن و سمت چپ کسی است که به سوی قبا می‌رود.^{۸۸} یعنی محله آنها در جنوب شرقی مسجد نبوی و جنوب بقیع واقع در شرق مسجد است. در کنار بنی خدره، منازل بنی مازن بن نجر بوده و به طوری که گفته شده منازل آنها جنوب چاه بصره و محله بنی خدره بوده است.^{۸۹} منازل بنی خداره که برادران بنی خدره بودند در جنوب محله بنی ساعده در نزدیکی اطمی است که در جرار سعد بوده است^{۹۰}؛ یعنی منازل آنها به سمت شمال مسجد نبوی-ص- بوده؛ در همسایگی آنها در سمت شرق، منازل بنی حدیله است که پیش از این گفتیم که محله آنها نزدیکی چاه حاء بوده،^{۹۱} در پشت مسجد؛ یعنی در شمال آن.^{۹۲}

مطری می‌نویسد که خانه بنی‌دینار بن نجر در میان محله بنی حدیله و محله بنی معاویه - اهالی مسجد الاجابه - بوده است؛^{۹۳} یعنی در امتداد سمت شرقی مسجد نبوی. سمهودی نیز از ابن زباله نقل کرده است که محله بنی دینار بن نجر در پشت بطحانی بوده که به نام آنها معروف است.^{۹۴} مقصود ابن زباله از «پشت بطحان» سمت غربی بطحان است،^{۹۵} زیرا آن خارج از مرکز مدینه است. سمهودی سخن ابن زباله را درست‌تر از سخن مطری دانسته که وی آن را در شرق مسجد نبوی دانسته است.^{۹۶}

برخی برای جمع میان آنچه درباره محله بنی‌دینار گفته شده، چنین نگاشته‌اند که محله آنها در گستره‌ای از شرق تا غرب و از جنوب تا شمال بوده و به همین دلیل بخشی از آن در حره غربی، در جایی که شهرت به سُقیاء و کوه انعم دارد قرار داشته است، به علاوه دو موضع

«نقب بنی دینار» و «مسجد المنارتین».^{۹۷} همچنین گفته شده که مالک بن نصر، پدر انس بن مالک، از بنی حدیله، خانه‌ای در راه مکه، در غرب مسجد نبوی و شرق عقیق نزدیک مسجد نسقیا داشته است.^{۹۸}

چه بسا با توجه به این اقوال در باره خانه‌های بنی دینار و بنی حدیله در جهات مختلف مدینه، بتوان نتیجه گرفت که قبایل ساکن در مرکز مدینه، برخی مملکات و خانه‌هایی در اطراف مدینه داشته‌اند، به طوری که گاه این خانه در منازل قبایل دیگر بوده است، بویژه که قبایل، خانه‌ها و قصرهای خود را در میان خود معامله می‌کرده و با آنها به عنوان اموال منقول برخورد می‌کرده‌اند. گاه دیه کشته قبیله دیگر را قلعه‌ای در منازل خودشان قرار می‌دادند.^{۹۹} از همین رو بعید نمی‌نماید که بنی دینار اموالی در غرب وادی بطحان داشته باشند. چه آنجا محله اصلی شان در همسایگی بنی حدیله بوده، به طوری که دو سمت شمالی و شرقی و حتی جنوبی مسجد نبوی - ص - را در بر می‌گیرد.

گفته شده که محله بنی مبذول که نامش عامر بن مالک بن نجار بوده، در غرب محله بنی دینار قرار داشته، یعنی در شرق خانه‌هایی که در سمت قبله مسجد نبوی^{۱۰۰}؛ یعنی جنوب مسجد بوده است.

از محلات متعلق به انصار در سمت شمال غربی کوه سلح تا دامنه حره غربی، محله بنی سلمه بن سعد بن علی بن اسد بن شاردة بن تزید بن چشم بن خزرج^{۱۰۱}، و محله بنی سواد بن غنم بن کعب بن سلمه^{۱۰۲}، و محله بنی عبید بن عدی بن غنم بن کعب بن سلمه^{۱۰۳} و محله بنی حرام^{۱۰۴} بوده است. در سمتی که آنان سکونت دارند، در مقایسه با جهات دیگر مدینه، بیشترین منابع آب وجود دارد، زیرا وادی عقیق و بطحان و قنات در میانه آن می‌گذرد.^{۱۰۵} بخش اعظم این منازل در جهاتی قرار دارد که سابقاً به عنوان یثرب معروف بوده و مهمترین قریه مدینه به شمار می‌رفته است.^{۱۰۶}

محله بنی سلمه بن سعد، در میان مسجد قبلتین^{۱۰۷} به سمت مذاذ یعنی خانه‌های قصر گونه بنی حرام نیز در درون حره غربی قرار داشته است.^{۱۰۸} محله بنی سلمه در این قسمت خُربی نامیده می‌شود^{۱۰۹} که به آن خرابا هم گفته شده است^{۱۱۰}. برخی هم نام آن را خزبی بر وزن جبلی دانسته‌اند.^{۱۱۱}

بنی سواد بن غنم بن کعب بن سلمه در نزدیکی مسجد قبلتین سکونت داشته‌اند.^{۱۱۲}

چنین می‌نماید که منازل آنها در شرق و جنوب مسجد قبلتین امتداد داشته است. دلیل این مطلب سخن سمهودی است که می‌گوید: آنها در شرق مسجد قبلتین، مشرف به حره و در انتهای زمینهای مسطح (سهل) از زمین بنی سلمه خانه‌هایی دارند^{۱۱۳}، همانطور که خانه‌هایی در جنوب مسجد در پشت حره دارند.^{۱۱۴}

مقتضای این نقلها آن است که سکونتگاه بنی‌سواد در انتهای بخش شرقی حره غربیه از سمت شمال آن قرار داشته است.^{۱۱۵}

بنی عبید بن عدی بن غنم بن کعب بن سلمه در نزدیک مسجدالخربه تا کوه دویخل سکونت داشته‌اند.^{۱۱۶} در شرق منازل بنی‌عبید، منازل بنی‌حرام، در مسجد قبلتین و مسجدالخربه تا زمان عمر بن خطاب قرار داشته است.^{۱۱۷} به همین دلیل، سیل در میان بنی‌حرام و نماز جمعه در مسجد نبوی جدایی می‌انداخته است، از این رو آنان از رسول خدا ص- می‌خواستند تا منازل آنها را به محلی نزدیک‌تر منتقل کند. بعد از آن بود که در شعبی در پایین کوه سلح در سمت غربی آن داخل شدند،^{۱۱۸} شعبی که بعدها به نام آنها معروف گشت به آن شعب بنی‌حرام می‌گفتند.^{۱۱۹} سمهودی می‌گوید که در آنجا آثاری از منازل آنان و آثاری از مسجد آنها در غرب کوه سلح، سمت راست کسی که از راه جنوب به مساجد فتح می‌رود و سمت چپ کسی که به مدینه می‌رود، وجود دارد. حصن خل در نزدیکی روبروی آن از سمت مغرب قرار دارد.^{۱۲۰}

● پی‌نوشتها:

۱- گویند که محلی که بعدها بصره و کوفه ساخته شد در شمار ولایات ساسانی بوده و به جهت داشتن دیرها، مزرعه‌ها و دساگر آباد بوده است (نک: تاریخ طبری، ج ۳، ص ۵۹۱-۵۹۰ و ج ۴، ص ۴۱). لویی ماسینیون در باره بصره پیش از اسلام می‌نویسد: دساگر هفتگانه آن مسکونی و دارای خانه‌های ثابت بوده است (نک: خطط الکوفه و شرح خریطه‌ها، ص ۱۰، ترجمه عربی از مصعبی، چاپ نخست، صیدا، ۱۹۵۸).

دساگر جمع دسکره، به مزرعه‌ای گفته می‌شود که کشاورزان در آن سکونت دارند. بدین ترتیب بصره پیش از اسلام دارای هفت مزرعه مسکونی نزدیک به یکدیگر بوده است (نک: خطط الکوفه، ماسینیون، پاورقی ش ۱).

همین وضعیت در باره کوفه نیز وجود داشته است. زمینهای کوفه در آغاز فتوحات اسلامی، دارای سه منطقه مالیات پرداز (طسوج) بوده است (نک: خطط الکوفه، ص ۷). طسوج نوعی تقسیم اداری ساسانی است. کشور ساسانی از نظر اداری به چند استان، و هر استان به چند طسوج و هر طسوج به چند رستاق تقسیم می‌شد. هر رستاق عبارت از چند قریه و مزرعه بوده است (خطط الکوفه، پاورقی ۴).

۲- احوال مکه و المدینه (احوال مکه المشرفه و المسجدالحرام و المدینه المشرفه و القبر الشریف)، نسخه خط دانشگاه ریاض، ش ۲۲۶) ج ۲، برگ ۱۱۲-۱۱۳



- ۳- وفاء الوفاء، سمهودی، ج ۱، ص ۱۷۷
- ۴- احوال مکه و المدینه، ج ۲، ص ۱۱۳؛ وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۱۹۰
- ۵- تاریخ هجرة المختار (المرجانی، نسخه خطی کتابخانه عارف حکمت در مدینه) برگ ۱۶۰؛ تاریخ الخميس، دیار بکری، ج ۱، ص ۳۳۶؛ وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۱۷۷-۱۷۸
- ۶- مطری در وصفی که از برخی وادیهای مدینه کرده، می نویسد: وادی رانوان از شمال کوه عیر به سمت غرب مسجد قبا، در محلی که «عصبه» نام دارد می رود؛ آنجا منازل بنی جحجا از اوسیان است. از آنجا به مسجدالجمعه می رسد، در آنجا منازل بنی سالم بن عوف از خزرجیان است، آنگاه به وادی بطحان می ریزد. وادی جفاف در بالاترین نقطه عوالی در شرق مسجد قباست. وادی مذنیب در شرق جفاف بالای مسجد شمس است که سابقا آن را فسیخ می نامیدند. هر دوی اینها به وادی بطحان می ریزد و در بطحان با رانوان برخورد می کند. آنگاه در مدینه، در غرب مصلی جریان می یابد و همه به سمت مساجد فتح رفته با وادی عقیق در بئر رومه به هم می رسند. وادی مهزور که آن نیز در شرق عوالی و شمال مذنیب است از حره شرقی به سمت عریض می رود. (نک: التعریف بما أنست الهجرة من معالم دار الهجرة، تحقیق محمد بن عبدالمحسن الخیال، مدینه، منشورات اسعد درابزونی، ۱۳۷۲ قمری ص ۶۳
- ۷- ملاحظه می کنید که وضعیت تجاری و صنعتی، شرق مدینه را از سایر جهات متمایز می کند؛ زیرا بازارهای بزرگ و محله های تجاری در آنجا قرار دارد (نک: التعریف، ص ۱۹-۲۰؛ و نیز نک: مکه و المدینه، (احمد ابراهیم الشریف، قاهره، ۱۹۶۵) ص ۲۸۸
- ۸- البداية و النهایه، ج ۳، ص ۲۰۳
- ۹- الجواهر الثمینه، محمد کبریت بن عبدالله الموسوی (م ۱۰۷۰) (نسخه خطی کتابخانه اوقاف بغداد، ش ۱۷۷ برگ ۷)
- ۱۰- وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۲۱۵-۱۹۰
- ۱۱- تاریخ مکه و المدینه و الطائف، حسین بن علی بن مکی حنفی (نسخه عکسی کتابخانه دانشگاه ریاض، ش ۴۳ برگ ۴۹)
- ۱۲- حره واقم: نام آن برگرفته از نام یکی از عمالقه بوده است. گفته شده: واقم نام یکی از اطمهای (حصون) مدینه بوده که حره به آن افزوده شده و این کلمه برگرفته از این سخن است که: وقمت الرجل عن حاجته، اذا رددته، فأنا واقم (نک: معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۴۹، ذیل مدخل حره).
- ۱۳- التعریف، ص ۷۸؛ وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۱۹۰
- ۱۴- التعریف، ص ۷۸
- ۱۵- وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۱۹۰
- ۱۶- التعریف، ص ۵۲؛ تاریخ مکه و المدینه و الطائف، برگ ۴۷
- ۱۷- السیره النبویه، (ابن اسحاق، تهذیب ابن هشام، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۶۱۳)
- ۱۸- التعریف، ص ۱۹ و ۲۰؛ وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۱۹۰ و ۱۹۱
- ۱۹- التعریف، ص ۱۹ و ۲۰؛ تاریخ هجرة المختار، برگ ۱۵۹؛ وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۰. مشهد حمزه برابر کوه احد و در جنوب آن است (نک: آثار المدینه المنوره، عبدالقدوس انصاری، ص ۲۳۷)
- ۲۰- تاریخ مکه و المدینه و الطائف، برگ ۴۷
- ۲۱- التعریف، ص ۵۳
- ۲۲- التعریف، ص ۵۳

«مسجدالاجابه»: این مسجد در شمال شرق قبیع است. کوشش کردم تا مسافت میان آن را با قبیع به دست آورم. چیزی حدود پانصد متر است. وقتی از خیابان عبدالعزیز (شارع ستین) می گذری، اندکی به چپ در ابتدای مسیر فرعی عمارت سیبوی، با گذشت حدود دویست و پنجاه متر در راهی کج، در سمت چپ مسجد الاجابه را مشاهده می کنی که

بنای جدید آن با استفاده از سیمان و سقف آهنی ساخته شده و در میان خانه‌ها و اراضی فراوانی است که هنوز آباد نشده است.

«عریض»: وادی‌ای در مدینه است که در شمال شرقی این شهر قرار گرفته و در آنجا آثار فراوان و نخلهای زیادی است (نک: عمدة‌الآخبار، (احمد بن عبدالحمید العباسی، تصحیح حمد الجاسر، مدینه، منشورات أسعد درابزونی الحسینی، چاپ پنجم ص ۳۷۰)؛ المدینه بین الماضی و الحاضر، (ابراهیم بن علی العیاشی، مدینه، منشورات المكتبة العلمية بالمدینه، دمشق، ۱۳۹ ص ۳۶۷)

۲۳- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۱۶۴-۱۶۱

۲۴- الاعلاق النفیسه، ج ۷، ص ۶۱

۲۵- التعریف، ص ۸۱-۷۸؛ وفاء الوفا، ج ۱، ص ۱۹۸-۱۹۵؛ تاریخ مکه و المدینه و الطائف، برگ ۵۰.

«العهن»: چاهی است در منطقه عوالی که اطراف آن تا ایام مطری (نویسنده التعریف) زراعت می‌شده و آب فراوانی داشته و هیچگاه خشک نمی‌شده است، نک: التعریف، ص ۶۲

۲۶- التعریف، ص ۸۱-۷۸؛ وفاء الوفا، ج ۱، ص ۱۹۸-۱۹۵؛ تاریخ مکه و المدینه و الطائف، برگ ۵۰

۲۷- مصادر بالا بعلاوة المدینه بین الماضی و الحاضر، ص ۲۴۶ و بعد از آن.

۲۸- التعریف، ص ۶۰

۲۹- همان

۳۰- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۱۹۷

«مال الماجشون»: به آن الماجشونیه هم گفته شده و اکنون نامش المدشونیه است. این محل منسوب به ماجشون است و آن جایی است از وادی بطحان در نزدیکی منطقه صعیب و آن جایی است در راه وادی بطحان در سمت ماجشونیه شرقی و آن نزدیک منطقه بنی الحارث بن خزرج است (نک: عمدة‌الآخبار، ص ۳۵۳، ۳۵۴ و ۴۰۸)

۳۱- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۱۹۸

۳۲- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۱۹۳ و ۱۹۴؛ التعریف، ص ۶۳ و ۶۴

۳۳- تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۳۶. وادی می‌نویسد: از منطقه عوالی، بنوعمر و بن عوف اهل قبا هستند (نک: المغازی، ص ۸۵) (بدون ذکر شماره جلد).

۳۴- «عصبه» محلی است در غرب مسجد قبا (نک: التعریف، ص ۶۳؛ عمدة‌الآخبار، ص ۳۷۲)

۳۵- تاریخ هجرة المختار، برگ ۱۶۰؛ وفاء الوفا، ج ۱، ص ۱۹۳ و ۱۹۴

۳۶- التعریف، ص ۸۰؛ تاریخ هجرة المختار، برگ ۱۶۰

۳۷- سمهودی می‌نویسد: عمرو بن نعمان بیاضی خزرجی اندکی پیش از «روز بعثت» گفت: ای مردم، بیاضه بن عمرو جای بدی شما را سکنا داد، به خدا سوگند آب غسل بر سرم نخواهم ریخت مگر آن که شما را در منزلگاه بنی نضیر و بنی قریظه سکونت دهم.

۳۸- السیرة النبویه، ج ۲، ص ۳۴۳

«مسجدالجمعه»: این مسجد را مسجد وادی رانواء هم می‌نامند. جای آن دست راست کسی است که به سمت قبا می‌رود (نک: عمدة‌الآخبار، ص ۱۷۰؛ تاریخ مکه و المدینه و الطائف، برگ ۴۷). در شمال مسجدالجمعه یک اطم مخروبه است که نامش مزدلف است و از عتبان بن مالک می‌باشد. این حصن در شرق وادی رانواء است (نک: التعریف، ص ۵۱؛ وفاء الوفا، ج ۱، ص ۱۹۹؛ احوال مکه و المدینه، ج ۲، برگ ۱۵۵)

۳۹- التعریف، ص ۵۱؛ وفاء الوفا، ج ۱، ص ۱۹۹؛ عمدة‌الآخبار، ص ۱۷۰

۴۰- المدینه بین الماضی و الحاضر، ص ۱۰۰

«قلعة قبا»: از بناهای ترکها و در نزدیک مسجدالجمعه است. هم مسجدالجمعه و هم قلعه در نزدیکی مسجد قبا



هستند و مسافت میان آنها با راه ماشین رو حوالی یک کیلومتر در شمال مسجد قباست. خط مستقیم میان آنها حدود سی متر است (شاید: سیصد! متر مترجم). قلعه قبا در سمت غربی جاده آسفالتی قرار دارد و چندان از مسجد الجمعة دور نیست.

۴۱- تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۳۴۰

۴۲- التعریف، ص ۷۹، و نک: احوال مکه و المدینه، برگ ۵۰

۴۳- التعریف، ص ۷۹

۴۴- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۱۹۸؛ احوال مکه و المدینه، برگ ۵۰

۴۵- «سنج» جایی در مدینه است (نک: عمده الاخبار، ص ۳۴۰-۳۳۹)

۴۶- السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۴۳، و نک: التعریف، ص ۸۰

۴۷- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۰۴

۴۸- همان.

۴۹- همان، ج ۱، ص ۲۰۷

۵۰- همان، ج ۱، ص ۲۰۵

۵۱- التعریف، ص ۸۰؛ وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۰۵؛ تاریخ هجرة المختار، برگ ۱۶۱؛ المدینه بین الماضي والحاضر، ص ۱۰۰،

۲۲۴-۲۲۰

۵۲- التعریف، ص ۸۱

۵۳- السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۹۶؛ المغانم المطابه، ص ۴۱۵ و ۴۱۶؛ «نقیع الخضما» یا به نوشته مطری «نقیع

الخطما» جایی است در نزدیکی مدینه (نک: المغانم المطابه، ص ۴۱۵ و ۴۱۶؛ عمده الاخبار، ص ۴۳۰. الخضمه به

معنای محل مرغزار و چمن است، زمینی که در آن گیاه می‌روید.

۵۴- تاریخ هجرة المختار، برگ ۱۵۷.

«المصلی»: منظور مصلای عید است که در شرق وادی بطحان قرار داشته. رسول خدا -ص- پس از آن که از مصلی بر

می‌گشت در کنار راه، در سمت مغرب در کنار راه بنی زریق، به دست خود قربانیش را ذبح کرد. اکنون مسجد الغمامه در

جنوب غربی مناخه و سمت مغرب مسجد النبی در مصلی قرار دارد (نک: التعریف، ص ۵۵؛ آثار المدینه المنوره، ص

۲۲۲؛ المدینه بین الماضي والحاضر، ص ۹۰

۵۵- السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۴۳

۵۶- تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۳۴۰

۵۷- التعریف، ص ۷۹

۵۸- همان، ص ۸۰

۵۹- همان، ص ۸۸

«البضه»: گرفته شده از: بصر الماء بصاً، به معنای ترشح آب است (نک: عمده الاخبار، ص ۲۶۲). همچنین گفته شده:

البضه که همان هم به معنای ترشح آب است (نک: المغانم المطابه، ص ۳۰)

۶۰- «بقیع» همان بقیع الغرقد است و غرقد نوعی درخت است به اسم عوسج -درخت خار- آنجا گورستان مردم مدینه

است. فاصله چندان با مسجد النبی -ص- نداشته و در شرق مدینه واقع شده است. بقیع در لغت به جایی گفته می‌شود

که درختانی از همه نوع در آن هست (نک: عمده الاخبار، ص ۲۷۵-۲۷۶)؛ آثار المدینه المنوره، ص ۱۷۵.

۶۱- عمده الاخبار، ص ۳۶۲

۶۲- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۰۵-۲۰۸، ۲۱۳ و بعد از آن.

۶۳- تاریخ هجرة المختار، برگ ۱۵۷

- ۶۴- گفتنی است که تعبیر «وسط المدینه او باطنها» تعبیری است که مورخان مسلمان بکار برده‌اند (نک: تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۴۱؛ احوال مکه و المدینه، ج ۲، ص برگ ۱۳۴)
- ۶۵- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۰۸
- ۶۶- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۰۸
- ۶۷- التعریف، ص ۷۵؛ تاریخ الهجرة المختار، برگ ۱۵۷
- «بئر بضاعة»، چاهی است با آب صاف در مدینه در میان خانه‌های بنی ساعده (نک: عمدة الاخبار، ص ۲۶۴). امروزه اعتقاد بر این است که چاه مزبور در مدرسه ابی بن کعب، که مدرسه‌ای برای حفظ قرآن است، قرار دارد، این مدرسه را میدان شمالی سقیفه بنی ساعده و خیابان سحیمی (با فاصله اندکی از آن در حدود صد متر) قرار دارد.
- «اطم ابودجانه»: اطم به معنای حصن یا قلعه است و ابودجانه صحابی معروف از بنی ساعده. یکی از مورخان محقق را اعتقاد بر این است که بقایای حصن ابودجانه به صورت دیوارهایی از آن باقی مانده است. بنای موجود در بخش شمالی چهاردیواری، در نزدیکی کوچه‌های است که به هتل آل مدنی در مدینه قرار دارد، همان که اکنون مدرسه دختران شده و در شمال غربی چاه بضاعة است (نک: آثار المدینه المنوره، ص ۷۸-۷۵). بقایای مزبور در سال ۱۳۹۸ قمری قابل رؤیت بوده است. در سمت شمال و شرق این بنا دو راه عبور تنگی بوده که بین آن و خانه‌های اطراف فاصله می‌انداخته است. اما در جهت غربی، به خانه‌های اطراف چسبیده بوده و در سمت جنوب آن، خیابان کوچکی با نام «صیاده» قرار داشته است.
- ۶۸- المدینه بین الماضي والحاضر، ص ۹۵. «ثنية الوداع»: ثنيه در لغت به معنای گذرگاه در کوه یا تنگه است. ثنية الوداع جای شناخته‌شده‌ای در شمال مدینه است (نک: آثار المدینه المنوره، ص ۱۶۱-۱۵۹)
- ۶۹- المدینه بین الماضي والحاضر، ص ۹۵
- ۷۰- ناحیه سحیمی اکنون به خیابان سحیمی شهرت دارد و جهت آن در شرق از باب الشامی تا باب البصری است. نک: آثار المدینه المنوره، ص ۱۵۷؛ المدینه بین الماضي والحاضر، ص ۲۰۵-۲۰۴
- ۷۱- «اصحاب العباءه» کسانی هستند که در آنجا عبا می‌فروخته‌اند و این بخشی از بازار قدیم مدینه بوده است (نک: وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۲۳)
- ۷۲- مدفن مالک بن سنان در غرب مدینه چسبیده به دیوار شهر بوده و اکنون در محله مناخه (نام بزرگترین خیابان در غرب مدینه) قرار دارد. مدفن مزبور در سمت شرقی مناخه است. نک: فصول من تاریخ المدینه، ص ۱۵۸؛ المدینه بین الماضي والحاضر، ص ۲۰۵-۲۰۴
- ۷۳- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۰۹
- ۷۴- همان. بنو خدیله لقب معاویه بن عمرو بن مالک بن نجار است (نک: التعریف، ص ۷۸؛ وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۰۹) به آنان بنو خدیله هم می‌گویند (نک: تاریخ هجرة المختار، برگ ۱۵۹) همچنین گفته شده که خدیله هم به آنان اطلاق شده (نک: تاریخ مکه و المدینه و الطائف، برگ ۴۹) روشن است که این تفاوتها مربوط به اشکالی بوده که در کتابت این نام وجود داشته و به دلیل عدم نقطه گذاری در صدر اول این مشکلات پدید آمده است.
- ۷۵- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۱۱. «بئر حاء»: نخلستان و چاهی بوده متعلق به ابوطلحه انصاری و برابر مسجد النبی - ص - بوده است (نک: التعریف، ص ۵۸)
- ۷۶- این همان جایی است که سعد بن عباده پس از درگذشت پدرش مردم را در آنجا آب می‌داده است. محل آن نزدیک بازار مدینه در سمت شمال بوده و «مصلی» حد جنوبی آن بوده است (نک: وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۰۹)
- ۷۷- همان.
- ۷۸- المدینه بین الماضي والحاضر، ص ۸۹ و بعد از آن. «مستندر» کوه کوچکی است در شرق مدفن نفس زکیه نزدیک منزلگاه حجاج شامی. (نک: وفاء الوفا، ج ۲، ص ۷۲۰). اکنون از مدفن نفس زکیه خبری نیست.



- ۷۹- المدینه بین الماضي و الحاضر، ص ۸۹ و بعد از آن. «مستشفى الملك»: این بیمارستان در اوائل تشکیل دولت سعودی نزدیک باب الشامی تأسیس شده. (نک: فصول من تاریخ المدینه المنوره، ص ۲۴۶)
- ۸۰- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۱۰
- ۸۱- همان. «حماضه»: اکنون به حماطه شناخته می‌شود، جایی است مابین مدفن مالک بن سنان تا آخر سلطانیه، باغستان مزال امروزی. (نک: المدینه بین الماضي و الحاضر، ص ۹۸). مدفن مالک بن سنان در غرب مدینه چسبیده به دیوار شهر (نک: وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۲۳)
- ۸۲- همان، ج ۱، ص ۲۱۰. «مسجدالرایه»: این همان مسجد ذباب است و رسول خدا-ص- بر کوه ذباب نماز خوانده و قبۀ خود را در جنگ احزاب بر بالای آن زده است. (نک: وفاء الوفا، ج ۳، ص ۸۴۵). و مسجد الرایه همانجاست و مراد مطری همان است. گرچه وقتی موضع آن را گفته نامش را نیاورده است. او می‌گوید: آن مسجد در بالای ثنیة الوداع، سمت چپ کسی است که از راه شام وارد مدینه می‌شود (نک: التعریف، ص ۵۵). سمهودی مراد مطری را از این وصف، همان مسجدالرایه می‌داند. این مسجد با سنگ بنا شده مطابق سایر مساجد عمری؛ یعنی مساجدی که در عهد عمر بن خطاب ساخته شده. این مسجد منهدم شده و بار دیگر در سال ۸۴۵ یا ۸۴۶ ساخته شده (نک: وفاء الوفا، ج ۳، ص ۸۴۵-۸۴۷)
- ۸۳- السیرة النبویه، ابن هشام، ج ۲، ص ۳۴۳
- ۸۴- التعریف، ص ۷۷؛ وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۱۰
- ۸۵- نک: المدینه بین الماضي و الحاضر، ص ۱۶۷
- ۸۶- التعریف، ص ۷۷ و ۷۸
- ۸۷- همان.
- ۸۸- عمدة الاخبار، ص ۲۶۲- ۲۶۳؛ المدینه بین الماضي و الحاضر، ص ۱۳۴
- ۸۹- التعریف، ص ۷۷
- ۹۰- همان، ص ۷۹؛ وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۰۹. آنچه قابل یادآوری است آن که عجمی گفته است که مسجد بنی خدره، در سمت شامی بازار مدینه، نزدیک سقیفۀ بنی ساعده است (و سقیفه که امروز معروف است در یک مثلثی در باغی است که در سر خیابان سجیمی از سمت غرب قرار دارد). نظر درست آن است که مقصود بنی خدره است نه بنی خدره، زیرا وصفی که او آورده با مطلبی که در باره محله آنها گفتیم تطبیق می‌کند. (نک: تاریخ مکه و المدینه و الطائف، برگ ۴۹)
- ۹۱- التعریف، ص ۷۸؛ وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۱۱؛ المدینه بین الماضي و الحاضر، ص ۱۷۲-۱۶۷
- ۹۲- وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۶۱
- ۹۳- التعریف، ص ۷۸. مطری آنها را از طایفۀ خزرج دانسته که اشتباه است، آنها بنوعاویة بن مالک بن عوف بن عمرو بن عوف از اوس هستند (نک: وفاء الوفا، ج ۱، ص ۱۹۵)
- ۹۴- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۱۳
- ۹۵- همان.
- ۹۶- همان.
- ۹۷- نک: المدینه بین الماضي و الحاضر، ص ۱۸۵
- «شقیاء»: برگرفته از «سقاء الغیث و أسفاه»، نام چاهی است در مدینه که به زمین آن فُلجان گفته شده و در میان بنی حدیله، در خانۀ مالک بن نصر پدر انس بن مالک در راه مکه، در غرب مسجد النبی، شرق عقیق، نزدیک مسجدالسقیاء در بیوت السقیاء بوده است (نک: عمدة الاخبار، ص ۳۳۶). بیوت السقیاء همان «بقع» است و بقع «نقب بنی دینار» است که شرحش خواهد آمد (نک: المغازی، واقدی، ص ۱۲، چاپ اول)
- «جبل انعم» یا «انعم»: نام دیگرش «کوه احمر» پشت مسجد المنار تین قرار داشته است (نک: عمدة الاخبار، ص ۲۳۸).

«مسجد المنار تین»: در راه عقیق کبیر، در میان سقیا و برکه و بیک؛ در شرق برکه کوه احمر قرار دارد، این مسجد مربع گونه، هفت ذراع طول و عرض دارد و فاصله میان آن و راه، هفت ذراع است. در سال ۹۷۲ جز محل دو منارش و چیزی از سنگها، اثری دیگر از آن باقی نمانده است. از تمام مسجد به اندازه یک ذراع، از همه اطراف باقی مانده، چنانکه دور محراب آن مشخص است. (نک: عمده الاخبار، ص ۱۹۷).

«نقب بنی دینار»: نقب به معنای شکافی است که در پوست یا دیوار یا چیزی شبیه آنها به وجود می آید (نک: المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۹۵۲). نقب بنی دینار در منطقه سقیا است که شرحش گذشت. به آن نقب مدینه نیز گفته می شود. محل آن در راه عقیق، در حرة غربی است که سقیا هم همانجا قرار دارد (نک: عمده الاخبار، ص ۴۳۲).

رسول خدا - ص - ده ماه بعد از هجرت، در غزوة ذات العشیره، برای حمله به کاروانهای قریش که از شام بر می گشتند از نقب بنی دینار گذشت (نک: المغازی، واقدی، ج ۱، ص ۱۲ و ۱۳) نویسنده فرصت یافت تا در سال ۱۳۹۸، منطقه سقیا را بررسی کند. گفته می شود که منازل بنی دینار در آنجا بوده است، جز آن که آنچه باقی مانده خرابه‌هایی از سنگ شبیه به سنگهای حرهای است، آن گونه که از سنگهای حرة اطراف قابل تشخیص نیست. این خرابه‌ها امروزه در جنوب غربی مدینه و جنوب ایستگاه راه آهن قدیم در راه آسفالت شده عروه واقع است. این خط حد شمالی آن است. اما کوه احمر امروزه در جنوب غرب ایستگاه راه آهن است با فاصله تقریبی یک کیلومتر، سمت چپ کسی که از راه عروه از مدینه خارج می شود. این کوه کوچک و هرمی شکل است که بر بالای آن مخازن آب که وابسته به عین زرقاء است قرار دارد. اگر کسی در محلی که گفته شده در سقیا منازل بنی دینار است، ایستاده باشد می تواند درست در برابر خود، این کوه را ببیند.

۹۸ - عمده الاخبار، ص ۳۳۶

۹۹ - گفته شده که قلعه الخصى (بر وزن فعیل از خصا) را بنی سلم که اوسی اند، در شرق مسجد قبا بنا کرده‌اند، بعدها به بنی منذر تعلق گرفته و این به دلیل دیه جده آنها بوده است (نک: المعانم المطابه، ص ۱۳)

۱۰۰ - وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۲۱۲ - ۲۱۳

۱۰۱ - همان، ج ۱، ص ۲۰۱

۱۰۲ - همان.

۱۰۳ - همان، ج ۱، ص ۲۰۲

۱۰۴ - خلاصة الوفاء، ص ۳۹۱

۱۰۵ - التعریف، ص ۵۳ و ۵۴؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۳۲

۱۰۶ - التعریف، ص ۱۹

۱۰۷ - وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۲۰۱.

«مسجد قبلتین»: مسجد قبلتین یا مسجد فتح (که بر سینه کوه سلع در ناحیه غربی آن قرار گرفته) از سمت غرب فاصله دارد و بلندی مشرف بر لبه وادی عقیق قرار گرفته است. آن موضع را «قاع» می نامند و اطراف آن چاهها و مزارعی است که به «عرض» شناخته می شود و در سمت قبله مزارع جرف قرار دارد (التعریف، ص ۵۴). اما جرف، در سمت شمال سه میل با مدینه فاصله دارد. آن را به این دلیل جرف نامیده‌اند که گفته شده تبع از آنجا که عبور می کرده گفته: هذا جرف الارض. این مشی علمای قدیم در بیان وجه تسمیه مناطق است؛ پیش از آن نام جرف، عرض بوده است (نک: عمده الاخبار، ص ۲۸۸)

۱۰۸ - وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۲۰۱

«المذاذ»: هر آنچه در غربی مجرای وادی بطحان در کناره مسجد فتح است مذاذ گفته می شود (نک: المدینه بین الماضي و الحاضر، ص ۴۷)

«مسجد الفتح»: بر قطعه‌ای از کوه سلع در سمت غربی آن قرار گرفته است (نک: التعریف، ص ۵۳؛ آثار المدینه المنوره،



ص ۱۲۷-۱۲۵)

۱۰۹- گفته شده که رسول خدا-ص- آن را طلحه یا صلحه نامیدند (نک: وفاءالوفا، ج ۱، ص ۲۰۱)

۱۱۰- التعریف، ص ۵۴

۱۱۱- عمدة الاخبار، ص ۳۱۶

۱۱۲- وفاءالوفا، ج ۱، ص ۲۰۱

۱۱۳- همان.

۱۱۴- همان.

۱۱۵- المدینه بین الماضي و الحاضر، ص ۶۴۱

۱۱۶- وفاءالوفا، ج ۱، ص ۲۰۲

«مسجدالخربه»: این مسجد از آن بنی عبید بوده و منازل آنها اطرافش قرار داشته است (نک: عمدة الاخبار، ص ۲۰۷). اما کوه دویخل: نام دیگرش کوه بنی عبید است و در نزدیکی آن کوه کوچک دیگری متعلق به همانهاست با نام کوه بحینه، در غرب بنی حرام، در سمت غرب مایل به شمال. کسی که از سمت مساجد فتح به مسجد قبلتین می‌رود از منازل آنها عبور می‌کند (عمدة الاخبار، ص ۲۰۷). امروزه کوه بحینه به «ضلع عقاب» شناخته می‌شود (نک: المدینه بین الماضي و الحاضر، ص ۵۸ و ۵۹)

۱۱۷- خلاصة الوفاء، ص ۳۹۱؛ عمدة الاخبار، ص ۲۰۷

۱۱۸- وفاءالوفا، ج ۱، ص ۲۰۳؛ و نک: خلاصة الوفاء، ص ۳۹۱

۱۱۹- وفاءالوفا، ج ۱، ص ۲۰۳

۱۲۰- همان، ج ۱، ص ۲۰۴

«حصن خل»: این مکان که به قصر خل هم مشهور است در غرب بطحان قرار دارد و گفته شده در ایام معاویه ساخته شده تا حصنی برای مردم مدینه باشد. نامش هم از آن روی «خل» شد که در سر راه قرار داشت و هر راهی که در حره یا رمل باشد آن را «خل» می‌نامند (نک: وفاءالوفا، ج ۴، ص ۱۲۸۹)

اعتذار!

در مقاله «حکم فتح راه حجاز» که در ص ۶۸ فصلنامه «مقات حج» شماره ۱۵ چاپ شده، سطر پنجم بدین صورت اصلاح می‌شود:
تااعتزای آن بدولت از هره او باشد...

